

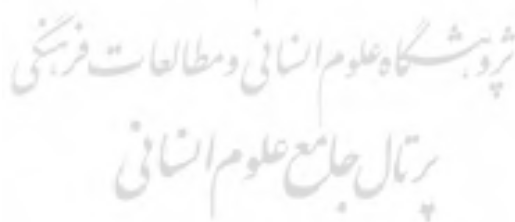
Horizontal Frames of Reference in Persian

Sahand Elhami Khorasani*

Abstract

The current article studies the Relative and Intrinsic Frames of Reference on the horizontal plane in Persian. Authentic data was obtained from five pairs of native speakers playing the standard “Ball & Chair” game (Bohnenmeyer, 2008). Analysis of the data showed that the use of the Relative FoR is prevalent. Nevertheless, the use of Intrinsic FoR is far from scarce. The Intrinsic FoR was used much more with the chair than the ball and the majority of its uses with the chair were Direct, while with the ball only a few were; from this the necessary distinction between the information regarding the location of an object from the information regarding the orientation of it is adduced. Furthermore, the relators of both the Relative and the Intrinsic FoRs are more diverse when used about the ball than when about the chair. The mapping of the coordinates in the Relative FoR is Reflective; in which the front-back axis is reversed, while the left-right axis remains unchanged.

Keywords: Spatial Frames of Reference, horizontal plane, Relative Frame of Reference, Intrinsic Frame of Reference, Persian language.



* PhD in General Linguistics, Allameh Tabataba'i University, sahandelhami@gmail.com

Date received: 2021/11/30, Date of acceptance: 2022/04/10



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چهارچوب‌های ارجاع سطح افقی در زبان فارسی

سه‌اند الهامی خراسانی*

چکیده

مقاله‌ی حاضر چهارچوب‌های ارجاع نسبی و ذاتی سطح افقی را در زبان فارسی بررسی می‌کند. داده‌های واقعی زبانی از پنج جفت گویشور با استفاده از ۴۸ عکس بازی استاندارد «توپ و صندلی» (بوهنمایر، ۲۰۰۸) اخذ شده‌اند. تحلیل داده‌ها نشان داد در سطح افقی کاربرد چهارچوب ارجاع نسبی به وضوح غالب است، اما کاربرد چهارچوب ذاتی هم نادر نیست. چهارچوب ارجاع ذاتی درخصوص صندلی بسیار بیشتر از توپ به‌کار رفته است و به‌علاوه درخصوص صندلی عمده‌ی موارد کاربرد آن مستقیم بوده، درحالی‌که درخصوص توپ به‌ندرت کاربرد مستقیم وجود داشته و از اینجا لزوم تفکیک اطلاعات مربوط به موقعیت قرار گرفتن یک شیء از اطلاعات مربوط به جهت قرار گرفتن آن مشخص شده است. رابط‌های به‌کاررفته هم در چهارچوب نسبی و هم در چهارچوب ذاتی درخصوص توپ متنوع‌تر از صندلی بوده‌اند. نگاشت مختصه‌ها در چهارچوب ارجاع نسبی نیز در زبان فارسی از نوع بازتابی است که در آن محور جلو-پشت وارونه می‌شود، اما محور چپ-راست بدون تغییر باقی می‌ماند.

کلیدواژه‌ها: چهارچوب‌های ارجاع مکانی، سطح افقی، چهارچوب ارجاع نسبی، چهارچوب ارجاع ذاتی، زبان فارسی.

* دکترای زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، sahandelhami@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۱



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

رده‌شناسی معنایی (semantic typology) یکی از حوزه‌های نو ظهور زبان‌شناسی است. بررسی چارچوب‌های ارجاع مکانی (spatial frames of reference) در این حوزه جای می‌گیرد. چارچوب‌های ارجاع مکانی دستگاه‌هایی مختصاتی (coordinate systems) هستند که گویشور زبان براساس آن‌ها موقعیت یک شیء را در ظرف مکان تعیین می‌کند. در تقسیم‌بندی لوینسون (Levinson) (۲۰۰۳) سه چارچوب ارجاع اصلی از هم متمایز می‌شوند که شامل نسبی (relative)، ذاتی (intrinsic) و مطلق (absolute) هستند. این سه چارچوب در هر دو سطح افقی و عمودی عمل می‌کنند. لوینسون (۲۰۰۳) و لوینسون و ویلکینز (Levinson & Wilkins) (۲۰۰۶) نشان داده‌اند که حتی نزدیک‌ترین زبان‌ها به هم به لحاظ خویشاوندی و حتی گویش‌های یک زبان هم در خصوص کاربرد و جزئیات چارچوب‌های ارجاع با هم متفاوتند.

در زبان فارسی، چارچوب ارجاع مطلق در سطح افقی مربوط به چهار جهت اصلی جغرافیایی و ترکیب آن‌ها با هم است که محدود به مقیاس‌های بزرگ است و کاربرد روزمره ندارد. این مقاله چارچوب‌های ارجاع نسبی و ذاتی را در سطح افقی در زبان فارسی مورد بررسی قرار می‌دهد. برای این منظور از داده‌های واقعی گویشوران بومی این زبان که با استفاده از بازی «توپ و صندلی» (Ball & Chair game) بوهنمایر (Bohnmeyer) (۲۰۰۸) اخذ شده‌اند، استفاده شده است.

به گفته‌ی لوینسون (۲۰۰۳: xvii)، تمایز چارچوب‌های ارجاع مختلف به هیچ وجه یک تفاوت زبانی سطحی نیست، بلکه چارچوب‌های ارجاع متفاوت به معنای نظام‌های ذهنی متفاوت است. فرض اصلی او این است که چارچوب‌های ارجاع مورد استفاده در یک زبان چارچوب‌های ارجاع استفاده‌شده توسط گویشوران در رمزگذاری غیرزبانی صحنه‌های مکانی را تعیین یا محدود می‌کند.

مسائل اصلی این پژوهش این است که در چپ‌نش مکانی (spatial scene) توپ و صندلی، به هنگام کاربرد چارچوب‌های مکانی در سطح افقی، هریک از چارچوب‌های نسبی و ذاتی در زبان فارسی چه ویژگی‌هایی دارند؛ کدام چارچوب مکانی در توصیف‌های این زبان غالب است و تفکیک اطلاعات مربوط به کاربرد این دو چارچوب چگونه است.

۲. پیشینه

مسگر خوبی (۱۳۹۲) با استفاده از رویکرد تالمی (۱۹۸۵، ۲۰۰۰) و رده‌بندی زبان‌ها توسط او از نظر چگونگی بیان حرکت، به بررسی معنایی فعل‌های حرکتی زبان فارسی پرداخته است. تحلیل وی نشان می‌دهد که ترکیب جزء حرکت با یک واحد معنایی (مسیر یا شیوه) مهم‌ترین الگوی واژگانی‌شدگی در فارسی است و ۱۴ نوع اطلاعات مسیر و ۲۰ نوع اطلاعات شیوه ممکن است در فعل‌های حرکتی فارسی باز نمود یابند. به گفته‌ی او، نتایج این پژوهش، رده‌شناسی دوگانه‌ی پیشنهادی تالمی (۲۰۰۰) را به چالش می‌کشد.

الهامی خراسانی و صفوی (۱۳۹۸) چهارچوب‌های ارجاع مکانی زبان فارسی را براساس بازی «مرد و درخت» (Man & Tree game) بررسی کرده‌اند. در پژوهش آن‌ها از هشت عکس اصلی مجموعه‌ی دوم عکس‌های بازی «مرد و درخت»، طراحی شده توسط مؤسسه‌ی مکس پلانک (Max Planck Institute)، استفاده شده است. بررسی آن‌ها نشان می‌دهد گویشوران این زبان در چینش مرد و درخت معمولاً ابتدا مورد قرار گرفته در سمت راست تصویر را توصیف می‌کنند که این مسأله می‌تواند ناشی از جهت خط فارسی باشد. گویشوران هم‌چنین تمایل دارند بین مرد و درخت ابتدا درخت را توصیف کنند که می‌تواند ناشی از بزرگ‌تر و ایستاتر بودن آن باشد. به علاوه، برای توصیف رابطه‌ی مکانی مرد و درخت از چهارچوب ارجاع نسبی استفاده می‌کنند که در آن مرد پیکر (figure) و درخت زمینه (ground) است، درحالی‌که برای توصیف جهت ایستادن مرد از چهارچوب ارجاع ذاتی استفاده می‌کنند که در آن مرد زمینه است و در عمده‌ی موارد درخت پیکر بوده است. نکته‌ی دیگر این بوده که تقریباً در تمام موارد پیکر در سمت چپ زمینه قرار داشته است.

بائز (Báez) (۲۰۱۱) چهارچوب‌های ارجاع مکانی زبان هوچیتان زاپوتک (Juchitán Zapotec) را با استفاده از بازی «توپ و صندلی» مورد بررسی قرار داده است. در این بازی ۱۲ گویشور شرکت کرده‌اند که همگی بالای ۱۸ سال سن داشته‌اند. این پژوهش نشان داده گویشوران این زبان چهارچوب‌های مستقل از مشاهده‌گر را ترجیح می‌دهند و در مجموع تمایلی به استفاده از چهارچوب‌های خودمحور (egocentric)، یعنی نسبی و مستقیم (direct)، ندارند؛ اولی تنها سه درصد استفاده شده و دومی اصلاً کاربرد نداشته است.

بوهنمایر (۲۰۱۱) در بررسی چارچوب‌های ارجاع زبان یوکاتک (Yucatec) مفهوم بی‌قیدی ارجاعی (referential promiscuity) را معرفی کرده است که هنگامی است که در توصیف‌های مکانی یک زبان، چارچوب ارجاع غالبی وجود ندارد و گویشوران آزادانه از ترکیبی از چارچوب‌های مختلف استفاده می‌کنند. بوهنمایر اشاره می‌کند که در پژوهش‌های مربوط به ارجاع مکانی کمتر به این مسأله توجه شده است.

در بررسی اگلستون و همکاران (Eggleston et al.) (۲۰۱۱) که با استفاده از بازی توپ و صندلی انجام شده نشان داده شده که گویشوران زبان سومو-مایانگنا (Sumu-Mayangna) علی‌رغم دسترسی به چارچوب‌های مختلف، چارچوب ارجاع مستقیم را ترجیح می‌دهند. اومئارا (O'meara) (۲۰۱۱) با استفاده از بازی توپ و صندلی، چهارچوب‌های ارجاع مکانی را در زبان سری (Seri) بررسی کرده است. براساس پژوهش او، گویشوران این زبان گزینه‌های متعددی در دسترس دارند، اما در مجموع چارچوب‌های شیء‌محور (object-centred) و مستقیم را ترجیح می‌دهند. هم‌چنین در انتخاب چارچوب ارجاع میان گویشوران تنوع دیده می‌شود و کاربرد کم چارچوب مطلق ظاهراً با سن گویشوران رابطه دارد.

۳. چهارچوب نظری

چهارچوب‌های ارجاع مکانی سه مختصه (coordinate) اصلی دارند:

الف) پیکر: شیئی که موقعیتش در مکان تعیین می‌شود.

ب) زمینه: شیئی که برای تعیین موقعیت پیکر به کار می‌رود.

ج) خاستگاه (origo): شیئی که دستگاه مختصاتی را تثبیت می‌کند.

برای مثال، در جمله‌ای چون «آدم سمت چپ درخت است»، «آدم» پیکر و «درخت» زمینه است و مشاهده‌گر خاستگاه است، چراکه چپ-راست بودن در این پاره‌گفته با نقطه‌نظر (viewpoint) او تعیین می‌شود.

از میان تقسیم‌بندی‌های متنوعی که درخصوص چارچوب‌های ارجاع مکانی ارائه شده، تقسیم‌بندی لوینسون (۲۰۰۳) بیش از بقیه مورد اجماع است. در تقسیم‌بندی لوینسون، دو سطح عمودی و افقی هر یک شامل سه چارچوب ارجاع اصلی هستند:

الف) ذاتی: مانند «توپ سمت راست صندلی است» در عکس ۱. در این گونه، خاستگاه و زمینه یک شیء، در اینجا صندلی، هستند و محور چپ-راست براساس خود صندلی فارغ از نقطه‌نظر گوینده تعیین می‌شود.

ب) نسبی: مانند «توپ جلوی صندلی است» در عکس ۱. در این گونه، خاستگاه دستگاه مختصاتی مشاهده‌گر و مستقل از زمینه است؛ در این مثال جلو بودن توپ نسبت به صندلی وابسته به مشاهده‌گر است و نه صرف صندلی.

ج) مطلق: مانند «توپ شمال صندلی است» در عکس ۱. در این موارد، دستگاه مختصاتی خارج از پیکر است و براساس جهان خارج، در اینجا کره‌ی زمین، تعیین می‌شود.



عکس ۱

همان‌طور که مشاهده می‌شود رابطه‌های ذاتی و مطلق روابط دوگانی (binary) هستند و تنها شامل پیکر و زمینه هستند، درحالی‌که رابطه‌ی نسبی رابطه‌ای مثلثی (triangular) است. طبق تعریف لوینسون (۲۰۰۳: ۴۷) رابطه‌ی نسبی یک رابطه‌ی مکانی سه‌گانی با پیکر، زمینه و نقطه‌نظر است که در آن نقطه‌نظر باید روی یک مشاهده‌گر متمرکز و از زمینه متمایز باشد.

تنظیم مختصات بر نقطه‌نظر تنها قدم اول در تعریف یک نظام نسبی است، چرا که علاوه بر آن، یک مجموعه مختصات ثانویه نیز لازم است که معمولاً با نگاشت (mapping) بعضی یا تمام مختصه‌های روی نقطه‌نظر بر یک عنصر زمینه صورت می‌گیرد. نگاشت

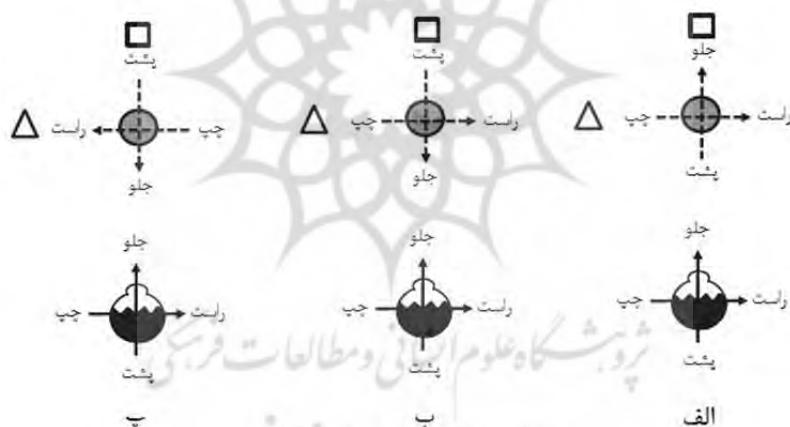
مذکور تبدیلی (transformation) است که می‌تواند هر یک از موارد زیر باشد (شپنوها را و ماتسوناکا، ۲۰۱۰: ۲۹۶ و ۲۹۷):

الف) ترجمه (translation): در این نوع تحلیل، دستگاه مختصات روی نقطه‌نظر دچار هیچ وارونگی یا چرخشی نمی‌شود.

ب) بازتاب (reflection): در این نوع فراقکنی محور جلو-پشت معکوس شده، اما محور چپ-راست ثابت باقی می‌ماند.

پ) چرخش (rotation): این نوع از چارچوب ارجاع نسبی در میان زبان‌های دنیا مورد نادری است. در این تحلیل، دستگاه مختصاتی روی نقطه‌نظر پس از چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای روی زمینه فراقکننده می‌شود، بنابراین هم محور جلو-پشت و هم محور چپ-راست معکوس می‌شوند.

شکل ۱ سه نوع تبدیل در چارچوب ارجاع نسبی را نمایش می‌دهد.



شکل ۱. انواع تبدیل در چارچوب ارجاع نسبی

آزمون اصلی‌ای که برای تفکیک سه چارچوب ارجاع مکانی از هم وجود دارد، شرایط ثبات تحت چرخش (constancy under rotation) است. بررسی اینکه یک توصیف با چرخش کدام عناصر چینش مکانی صادق باقی مانده و با چرخش کدام موارد کاذب می‌شود. چارچوب ارجاع نسبی مانند چارچوب مطلق با چرخش کل چینش دیگر

صادق نمی‌ماند، با چرخش بیننده هم برخلاف مطلق و ذاتی دیگر صدق نمی‌کند، اما با چرخش زمینه مانند چارچوب مطلق صادق باقی می‌ماند.

بحث دنزیگر (Danziger) (۲۰۱۰) در اینجا حائز اهمیت است. او برای چهارچوب‌های ارجاع مکانی تقسیم‌بندی چهارگانه دارد و به جز سه چارچوب لوینسونی به چهارچوب ارجاع مکانی مستقیم نیز قائل است و نقطه‌ی انفصال بحث او هم این است که آن چهارچوب‌های ذاتی‌ای که در آن‌ها زمینه/خاستگاه یکی از مشارکان کلام (speech participants) است (برای مثال «توپ جلوی توست») را از چارچوب‌هایی که در آن‌ها زمینه/خاستگاه یک مشارک کلام نیست (برای مثال «توپ جلوی صندلیست») تمییز می‌دهد.

دنزیگر اشاره می‌کند که درخصوص چارچوب‌های ارجاع مکانی مهم شناسایی خاستگاه است و نه زمینه، چراکه مشارک بودن یا نبودن خاستگاه حداقل برای استنتاجات مربوط به چرخش مهم است. به گفته‌ی او، مشکل این است که شرایط منطقی مربوط به چهارچوب‌های نسبی و مطلق برای روابط دوگانی هم به کار برده شده‌اند، درحالی‌که در رابطه‌ی دوگانی ذاتی با دو نوع چارچوب روبه‌روییم.

تقسیم‌بندی اصلاح‌شده‌ی دنزیگر از چارچوب‌های ارجاع مکانی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. تقسیم‌بندی چهارگانه‌ی چارچوب‌های ارجاع مکانی

خودمحور (خاستگاه یکی از مشارکان کلام است)	دگرمحور (allocentric) (خاستگاه یکی از مشارکان کلام نیست)	-
نسبی	مطلق	سه‌گانی (خاستگاه ≠ زمینه)
مستقیم	شیءمحور	دوگانی (خاستگاه = زمینه)

جدول ۲ شرایط ثبات تحت چرخش را برای چهار چارچوب ارجاع مکانی تقسیم‌بندی دنزیگر با ذکر مثال نشان می‌دهد.

جدول ۲. شرایط ثبات تحت چرخش چارچوب‌های ارجاع مکانی

شناسایی چارچوب ارجاع	ثبات تحت چرخش چیش پیکر-زمینه	ثبات تحت چرخش زمینه	ثبات تحت چرخش مشارک کلام	توصیفی که قرار است تشخیص داده شود
مطلق	خیر	بلی	بلی	کتاب شرق تلویزیونه.
نسبی	خیر	بلی	خیر	کتاب راست تلویزیونه.*
شیءمحور	بلی	خیر	بلی	کتاب جلوی تلویزیونه.**
مستقیم	بلی	خیر	خیر	کتاب جلوی منه.

* یعنی از نقطه نظر بیننده در راست تلویزیون قرار دارد.

** یعنی فارغ از نقطه نظر بیننده، در قسمت جلوی تلویزیون قرار دارد.

۴. روش پژوهش

برای اخذ داده از بازی «توپ و صندلی» (بوهمایر، ۲۰۰۸) استفاده شده است. در این بازی چهار مجموعه عکس ۱۲ تایی وجود دارد. در هر یک از این ۴۸ عکس، یک توپ و یک صندلی هست و صندلی همیشه در وسط تصویر قرار گرفته است، اما به لحاظ ایستاده بودن یا نبودن و جهت قرار گرفتن آن و موقعیت توپ نسبت به آن، عکس‌ها با هم متفاوتند.

روند بازی به این صورت است که هر بار جلوی دو بازیکن مجموعه عکس یکسانی وجود دارد؛ یکی از آن‌ها باید یک عکس را انتخاب کند و آن را توصیف کند تا نفر دیگر متوجه شود که کدام عکس منظور بوده است. چنانچه فرد دوم گمان کند عکس را پیدا کرده هر دو نفر پشت عکس را به محقق نشان می‌دهند؛ در صورتی که عکس یکی بود سراغ عکس بعدی می‌روند و در غیر این صورت آن قدر توضیحات ادامه پیدا می‌کند تا عکس صحیح پیدا شود. فردی که عکس را توصیف می‌کند نشانک‌هایی دارد تا هر وقت عکسی توصیف شد و به صورت صحیح پیدا شد روی آن علامت بگذارد تا بعداً دوباره عکسی تکراری را توصیف نکرده باشد، اما بازیکن دیگر نشانکی ندارد.

طبق استاندارد دستورالعمل بازی، پنج جفت گویشور زبان فارسی در آن شرکت کرده‌اند

که سن و جنس آن‌ها به ترتیب به شرح زیر بوده است:

چهارچوب‌های ارجاع سطح افقی در زبان فارسی (سهند الهامی خراسانی) ۸۵

- گوینده‌ها: مذکر ۱۵ ساله - مؤنث ۵۴ ساله - مؤنث ۳۱ ساله - مذکر ۲۲ ساله -
مذکر ۳۷ ساله
- شنونده‌ها: مؤنث ۱۴ ساله - مذکر ۵۸ ساله - مؤنث ۲۶ ساله - مذکر ۵۴ ساله -
مذکر ۳۰ ساله

داده‌ها ضبط و سپس ثبت شده‌اند و بعد جدول‌هایی چون ۳ برای هر مجموعه/جفت بازیکن رسم شده‌اند. در این جدول‌ها صحبت‌های کسی که باید عکس را پیدا کند در آکولاد آمده‌اند چرا که در تحلیل داده‌ها تنها داده‌های گوینده‌ی اصلی مورد نظر بوده است. پاره‌گفته‌ها به صورت کارکردی جدا شده‌اند، یعنی براساس اینکه ممیز عکس‌ها هستند یا خیر. برای عکسی که منظور اصلی بوده علامت ✓ در خانه‌ی متناظر با پاره‌گفته‌های مورد نظر قرار گرفته و در خانه‌ی عکس‌هایی که هر پاره‌گفته درمورد آن‌ها نیز صدق می‌کند علامت + قرار گرفته است.

جدول ۳. نمونه جدول داده‌های اخذشده

ردیف	پاره‌گفته	کد عکس											
		-۳	-۳	-۳	-۳	-۳	-۳	-۳	-۳	-۳	-۳	-۳	-۳
		۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	صندلی... روی... در حالت طبیعی،	+	+	+	✓	+		+		+	+	+	+
۲	منتهی نشیمن گاهش به سمت چپ.	+			✓							+	
۳	و توپ هم نسبت به ما، اگه ما که نگا می کنیم، دقیقاً در همون راستای صندلیه، انگار که جلوی صندلی باشه.	+			✓								+

سپس اطلاعات مربوط به ایستاده بودن یا نبودن صندلی، اطلاعات مربوط به جهت قرارگرفتن صندلی و اطلاعات مربوط به موقعیت قرار گرفتن توپ به تفکیک برای هر مجموعه و برای هر گوینده موردبررسی قرار گرفته‌اند و چارچوب‌های ارجاع افقی و عمودی استفاده‌شده مشخص شده‌اند.

مواردی بوده که پاره‌گفته‌ی بیان‌شده به صورت بالقوه می‌توانسته هم‌زمان متعلق به چهارچوب نسبی و یا ذاتی باشد چرا که در عکس این دو چارچوب تلاقی داشته‌اند. جهت دقت بیشتر، این موارد نیز از تحلیل داده‌ها کنار گذاشته شده‌اند.

۱.۴ توضیح عکس‌ها

تمام توصیفاتی که در زیر از ۴۸ عکس بازی‌ها می‌آید از نگاه بیننده‌ی عکس و در نتیجه در چهارچوب ارجاع نسبی هستند.

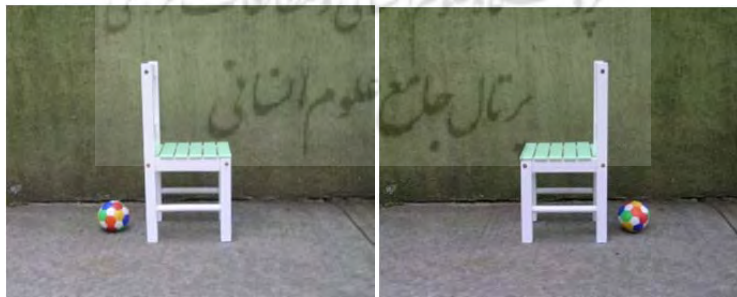
در مجموعه‌ی اول، از مجموع ۱۲ عکس، در پنج عکس صندلی ایستاده است و در هفت عکس صندلی افتاده است. از میان عکس‌هایی که در آن‌ها صندلی ایستاده است، در عکس ۱-۱ صندلی رو به راست است، در عکس ۳-۱ رو به چپ و در سه عکس ۲-۱، ۷-۱ و ۸-۱ رو به پشت است و در هیچ عکسی صندلی رو به جلو نیست. از میان عکس‌هایی که در آن‌ها صندلی افتاده است، در عکس ۱-۱ پایه‌ها در راست تصویر قرار دارند، در دو عکس ۴-۱ و ۱۲-۱ پایه‌ها در چپ تصویر قرار دارند و در چهار عکس ۵-۱، ۶-۱، ۹-۱ و ۱۱-۱ پایه‌های صندلی در هوا است. در عکس ۵-۱ توپ در هوا است. در هیچ یک از عکس‌ها توپ در سمت راست صندلی قرار ندارد؛ در سه عکس ۸-۱، ۹-۱ و ۱۰-۱ توپ در چپ صندلی قرار دارد و در هشت عکس دیگر توپ در زیر، جلو، داخل یا مماس با صندلی قرار دارد.

در مجموعه‌ی دوم، از مجموع ۱۲ عکس، در ۱۰ عکس صندلی ایستاده است و در دو عکس صندلی افتاده است. از میان عکس‌هایی که در آن‌ها صندلی ایستاده است، در پنج عکس ۳-۲، ۸-۲، ۹-۲، ۱۰-۲ و ۱۱-۲ صندلی رو به راست است، در سه عکس ۱-۲، ۲-۲ و ۴-۲ رو به بیننده و در دو عکس ۵-۲ و ۱۲-۲ پشت به بیننده است و در هیچ عکسی رو به چپ نیست. در هر دو عکس ۶-۲ و ۷-۲ که در آن‌ها صندلی ایستاده نیست پایه‌ها در راست تصویر قرار دارند. در چهار عکس ۱-۲، ۲-۲، ۳-۲ و ۴-۲ توپ در هوا است و در بقیه‌ی عکس‌ها روی زمین قرار دارد. در عکس ۸-۲ توپ در جلو صندلی و در عکس ۹-۲ توپ در پشت صندلی قرار دارد؛ در چهار عکس ۲-۲، ۴-۲، ۵-۲ و ۱۱-۲ توپ در سمت چپ صندلی و در پنج عکس ۱-۲، ۳-۲، ۷-۲، ۱۰-۲ و ۱۲-۲ توپ در سمت راست صندلی قرار دارد.

چهارچوب‌های ارجاع سطح افقی در زبان فارسی (سهند الهامی خراسانی) ۸۷

در مجموعه‌ی سوم، از مجموع ۱۲ عکس، در ۱۰ عکس صندلی ایستاده است و در دو عکس صندلی افتاده است. از میان عکس‌هایی که در آن‌ها صندلی ایستاده است، در پنج عکس ۱-۳، ۳-۳، ۶-۳، ۸-۳، ۱۰-۳ و ۱۱-۳ صندلی رو به راست است، در سه عکس ۲-۳، ۳-۳ و ۹-۳ رو به چپ قرار دارد. در عکس ۳-۳ رو به جلو و در عکس ۴-۳ روبه پشت دارد. در دو عکس صندلی افتاده که در ۷-۳ پایه‌ها در هواست و در ۵-۳ پایه‌ها در راست قرار دارد. در چهار عکس ۱-۳، ۲-۳، ۷-۳ و ۸-۳ توپ در هوا است، در دو عکس ۵-۳ و ۶-۳ مماس با صندلی است و در بقیه‌ی عکس‌ها روی زمین قرار دارد. در چهار عکس ۳-۳، ۴-۳، ۱۱-۳ و ۱۲-۳ توپ در چپ صندلی و در دو عکس ۱-۳ و ۲-۳ توپ در راست صندلی قرار دارد. در دو عکس ۳-۳ و ۹-۳ توپ در جلو صندلی قرار دارد و در هیچ عکسی توپ پشت صندلی نیست.

در مجموعه‌ی چهارم، از مجموع ۱۲ عکس، در یازده عکس صندلی ایستاده است و تنها در عکس ۵-۴ صندلی افتاده است. از میان عکس‌هایی که در آن‌ها صندلی ایستاده است، در چهار عکس ۱-۴، ۴-۴، ۹-۴ و ۱۲-۴ صندلی رو به چپ و در چهار عکس ۲-۴، ۳-۴، ۴-۴ و ۸-۴ رو به راست است. در سه عکس ۶-۴، ۷-۴ و ۱۱-۴ صندلی رو به جلو است و در هیچ عکسی رو به پشت نیست. توپ در دو عکس ۹-۴ و ۱۰-۴ در هوا و در ۱۰ عکس دیگر روی زمین است. توپ در پنج عکس ۱-۴، ۷-۴، ۸-۴، ۱۰-۴ و ۱۲-۴ در سمت راست صندلی و در چهار عکس ۲-۴، ۵-۴، ۹-۴ و ۱۱-۴ در سمت چپ تصویر قرار دارد. در سه عکس دیگر توپ جلو، عقب یا زیر صندلی است. عکس‌های ۱-۴ تا ۶-۴ به‌عنوان نمونه در زیر آمده‌اند.



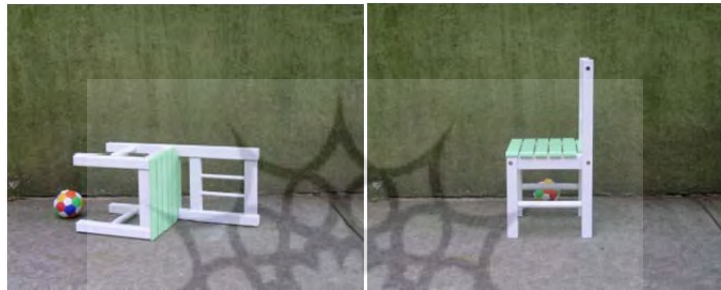
۲.۴

۱.۴

۸۸ زیان شناخت، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱



۳.۴



۵.۴

۴.۴



۶.۴

پژوهشگاه علوم و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۵. تحلیل داده‌ها

در زیربخش ۵-۱ داده‌های مربوط به صندلی و در زیربخش ۵-۲ داده‌های مربوط به توپ بررسی می‌شوند. در هر مورد، ابتدا چارچوب ارجاع نسبی و سپس چارچوب ارجاع ذاتی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱.۵ صندلی

۱.۱.۵ چهارچوب ارجاع نسبی

چهارچوب ارجاع نسبی در مجموع ۱۳۸ بار به کار رفته است که ۱۸ بار توسط گوینده‌ی جفت الف، ۳۱ بار گوینده‌ی جفت ب، ۳۲ بار گوینده‌ی پ، ۳۳ بار گوینده‌ی ت و ۲۴ بار گوینده‌ی ث بوده است. شش بار از کل این تعداد تکراری بوده است. درخصوص مجموعه‌ی اول در مجموع ۲۵ بار، درخصوص مجموعه‌ی دوم ۲۹ بار، در مجموع‌ی سوم ۴۳ بار و در مجموع‌ی چهارم ۴۱ بار از چارچوب ارجاع نسبی استفاده شده است.

«راست» ۶۷ بار به صورت نسبی به کار رفته که دو بارش تکراری بوده است. گوینده‌ی جفت الف شش بار، گوینده‌ی جفت ب ۱۴ بار، گوینده‌ی پ ۱۵ بار، گوینده‌ی ت ۲۰ بار و گوینده‌ی ث ۱۲ بار از آن استفاده کرده‌اند. نمونه‌هایی از این کاربرد در ۱ تا ۴ آمده‌اند که به ترتیب مربوط به توصیف گوینده‌ی ت از عکس ۱-۴، گوینده‌ی ب از عکس ۲-۸، گوینده‌ی جفت الف از عکس ۳-۸ و گوینده‌ی جفت ت از عکس ۴-۲ هستند.

(۱) صندلی افتاده رو زمین. به طرف راست مائه.

(۲) روی صندلی به سمت راسته.

(۳) [...] صندلی رو به سمت راسته، جایش که می‌شینم.

(۴) صندلی صاف ایستاده به سمت راست.

«چپ» ۶۰ بار به صورت نسبی به کار رفته که چهار بارش تکراری بوده است. گوینده‌ی جفت الف هفت بار، گوینده‌ی جفت ب ۱۷ بار، گوینده‌ی پ ۱۳ بار، گوینده‌ی ت ۱۳ بار و گوینده‌ی ث نه بار از آن استفاده کرده‌اند. نمونه‌هایی از کاربرد این الگو در ۵ تا ۸ آمده است که به ترتیب مربوط به توصیف گوینده‌ی جفت پ از عکس ۱-۳، گوینده‌ی ت از عکس ۲-۷، گوینده‌ی ث از عکس ۳-۱۲ و همین گوینده‌ی اخیر از عکس ۴-۱ هستند.

(۵) [...] به حالتی داریم که صندلی وقتی بیننده به صندلی نگاه می‌کند روبه‌روش نیست صندلی. [...] به سمت چپه.

(۶) صندلی افتاده رو زمین. تکیه‌گاه صندلی از طرف ما سمت چپ و یه مقدار مایل به جلوئه.

(۷) صندلی رو به سمت چپه.

(۸) صندلی رو به سمت چپه.

«نیمرخ/کنار/بغل/پهلوی» هم درکل ۱۱ بار به صورت نسبی استفاده شده‌اند که یک بارش تکراری بوده است. از این تعداد چهار بار مربوط به گوینده‌ی جفت الف، چهار بار گوینده‌ی پ و سه بار گوینده‌ی ث بوده است. نمونه‌هایی از کاربرد این الگو در ۹ تا ۱۲ آمده است که به ترتیب مربوط به توصیف گوینده‌ی جفت الف از عکس ۱-۱، ۲-۳، ۳-۸ و گوینده‌ی جفت پ از عکس ۴-۵ هستند.

(۹) صندلی نیمرخه.

(۱۰) صندلی نیمرخه.

(۱۱) خب بقیه همه نیمرخن.

(۱۲) صندلی روی زمین خوابیده. به بغل هم، به پهلوش خوابیده. [...]

۲.۱.۵ چهارچوب ارجاع ذاتی

چهارچوب ارجاع ذاتی درمجموع برای صندلی ۷۶ بار به کار رفته است که ۱۱ بار توسط گوینده‌ی جفت الف، ۱۶ بار گوینده‌ی جفت ب، ۱۲ بار گوینده‌ی پ، ۲۳ بار گوینده‌ی ت و ۱۴ بار گوینده‌ی ث بوده است. ۱۱ بار از کل این تعداد تکراری بوده است. از این تعداد، ۱۹ مورد مربوط به مجموعه‌ی اول، ۲۹ بار مربوط به مجموعه‌ی دوم، ۱۳ بار مجموعه‌ی سوم و ۱۵ بار مجموعه‌ی چهارم بوده است. زمینه‌ی صریح «ما»، «تو» و «دوربین» بوده‌اند. نمونه‌هایی از این کاربرد در ۱۳ تا ۱۶ آمده‌اند که به ترتیب مربوط به توصیف گوینده‌ی ت از عکس ۱-۶، گوینده‌ی ب از عکس ۲-۲، گوینده‌ی پ از عکس ۳-۴ و گوینده‌ی الف از عکس ۴-۷ هستند.

(۱۳) تکیه‌گاه صندلی به طرف مائه.

(۱۴) روی صندلی به ماس.

چهارچوب‌های ارجاع سطح افقی در زبان فارسی (سهند الهامی خراسانی) ۹۱

(۱۵) صندلی پشتش به ماس.

(۱۶) صندلی رو به توئه.

جدول ۴ جزئیات چارچوب‌های ارجاع مکانی به‌کاررفته درخصوص صندلی را به تفکیک گوینده و جدول ۵ به تفکیک مجموعه نشان می‌دهند.

جدول ۴. چهارچوب‌های ارجاع به‌کاررفته درخصوص صندلی به تفکیک گوینده

چهارچوب ارجاع سطح افقی					گوینده
ذاتی	نسبی				
	جمع	نیمرخ/کنار/بغل/پهلوی	چپ	راست	
(۳) ۱۱	(۳) ۱۸	۴	(۲) ۸	(۱) ۶	الف
۱۶	۳۱	۰	۱۷	۱۴	ب
(۲) ۱۲	(۳) ۳۲	(۱) ۴	(۲) ۱۳	۱۵	پ
(۶) ۲۳	(۱) ۳۳	۰	۱۳	(۱) ۲۰	ت
۱۴	۲۴	۳	۹	۱۲	ث
(۱۱) ۷۶	(۷) ۱۳۸	(۱) ۱۱	(۴) ۶۰	(۲) ۶۷	جمع

جدول ۵. چهارچوب‌های ارجاع به‌کاررفته درخصوص صندلی به تفکیک مجموعه

چهارچوب ارجاع سطح افقی					مجموعه
ذاتی	نسبی				
	جمع	نیمرخ/کنار/بغل/پهلوی	چپ	راست	
(۲) ۱۹	(۱) ۲۵	۴	(۱) ۱۱	۱۰	اول
(۶) ۲۹	(۳) ۲۹	۱	(۲) ۱۱	(۱) ۱۷	دوم
(۲) ۱۳	(۲) ۴۳	۳	(۱) ۱۹	(۱) ۲۱	سوم
(۱) ۱۵	(۱) ۴۱	(۱) ۳	۱۹	۱۹	چهارم
(۱۱) ۷۶	(۷) ۱۳۸	(۱) ۱۱	(۴) ۶۰	(۲) ۶۷	جمع

همان‌طور که مشاهده می‌شود در خصوص صندلی، چارچوب ارجاع نسبی حدود دو برابر بیش‌تر از چارچوب ارجاع ذاتی به‌کار رفته است. به‌علاوه رابط‌های به‌کاررفته برای چهارچوب نسبی متنوع هستند و «راست»، «چپ» و «کنار» سه رابط اصلی هستند؛

درحالی که برای چارچوب ذاتی این گونه نیست. درخصوص هر گوینده به صورت جدا و درخصوص هر مجموعه به صورت جدا هم تعداد موارد کاربرد چارچوب نسبی از چارچوب ذاتی بیشتر است؛ تنها درمجموعه‌ی دوم است که تعداد کاربرد هر دو چارچوب با هم برابر است. نکته‌ی آخر هم اینکه در مجموعه‌ی اول گوینده‌ی الف تنها یک بار از چارچوب ذاتی استفاده کرده و گوینده‌ی پ اصلاً از این چارچوب استفاده نکرده است. بنابراین درمجموع درخصوص صندلی در سطح افقی کاربرد چارچوب ارجاع نسبی به وضوح غالب است.

۲.۵ توپ

۱.۲.۵ چهارچوب ارجاع نسبی

برای چهار مجموعه درمجموع ۱۶۸ بار از چارچوب ارجاع نسبی در سطح افقی استفاده شده است که البته ۱۲ مورد برای توصیف‌های تکراری بوده است. از این تعداد ۳۳ مورد مربوط به گوینده‌ی جفت الف، ۳۰ مورد مربوط به گوینده‌ی جفت ب، ۳۹ مورد مربوط به گوینده‌ی پ، ۴۴ مورد مربوط به گوینده‌ی ت و ۲۲ مورد مربوط به گوینده‌ی ث است. در مجموعه‌ی اول ۳۳ بار، در مجموعه‌ی دوم ۶۱ بار، در مجموعه‌ی سوم ۲۳ بار و در مجموعه‌ی چهارم ۵۱ بار از آن استفاده شده است.

«راست» ۵۰ بار به صورت نسبی استفاده شده که چهار بارش تکراری بوده است. از این تعداد، نه مورد مربوط به گوینده‌ی جفت الف، ۱۰ مورد گوینده‌ی جفت ب، ۱۴ مورد گوینده‌ی پ، ۱۲ مورد گوینده‌ی ت و پنج مورد گوینده‌ی ث بوده است. نمونه‌هایی از جمله‌های به‌کاررفته در ۱۷ تا ۱۹ آمده‌اند که به ترتیب به مربوط به توصیف گوینده‌ی ث از عکس ۱-۲، گوینده‌ی پ از عکس ۳-۱ و گوینده‌ی ث از عکس ۴-۱۲ هستند.

(۱۷) [...] توپ سمت راستش بالاتر از زمینه. سمت راست ما.

(۱۸) توپ سمت راست ما و جلوی صندلیه. [...]

(۱۹) توپ [...] سمت راست صندلیه.

«چپ» ۶۲ بار به صورت نسبی به کار رفته که چهار بارش تکراری بوده است. از این تعداد، ۱۳ مورد مربوط به گوینده‌ی جفت الف، ۱۲ مورد گوینده‌ی جفت ب، ۱۴ مورد

گوینده‌ی پ، ۱۶ مورد گوینده‌ی ت و هفت مورد گوینده‌ی ث بوده است. نمونه‌هایی از جمله‌های به‌کاررفته در ۲۰ تا ۲۳ آمده‌اند که به‌ترتیب به مربوط به توصیف گوینده‌ی ب از عکس ۱-۱۰، گوینده‌ی پ از عکس ۲-۵، گوینده‌ی الف از عکس ۳-۱۱ و گوینده‌ی پ از عکس ۴-۱۱ هستند.

(۲۰) [...] بالای صندلی سمت چپ. گوشه‌ی همون سمت چپ یه توپه.

(۲۱) توپ سمت چپ ما هست. [...]

(۲۲) توپ رو زمین [...] سمت چپ صندلیه.

(۲۳) توپ سمت چپ تصویره.

«جلو» ۱۷ بار به صورت نسبی به کار رفته که یک مورد آن تکراری بوده است. از این تعداد، یک مورد مربوط به گوینده‌ی جفت الف، چهار مورد گوینده‌ی جفت ب، پنج مورد گوینده‌ی پ، چهار مورد گوینده‌ی ت و سه مورد گوینده‌ی ث بوده است. نمونه‌هایی از جمله‌های به‌کاررفته در ۲۴ تا ۲۷ آمده‌اند که به‌ترتیب به مربوط به توصیف گوینده‌ی ت از عکس ۱-۱۱، گوینده‌ی ب از عکس ۲-۸، گوینده‌ی ب از عکس ۳-۱۰ و گوینده‌ی ث از عکس ۴-۷ هستند.

(۲۴) [...] توپ روی زمین جلوی پشتی صندلیه.

(۲۵) توپ جلوی صندلیه، رو زمین.

(۲۶) توپ جلوی صندلی رو زمینه.

(۲۷) توپ جلوی صندلی [...].

«پشت» ۲۵ بار به صورت نسبی استفاده شده، که یک بارش تکراری بوده است. از این تعداد، چهار مورد مربوط به گوینده‌ی جفت الف، سه مورد گوینده‌ی جفت ب، چهار مورد گوینده‌ی پ، نه مورد گوینده‌ی ت و پنج مورد گوینده‌ی ث بوده است. نمونه‌هایی از جمله‌های به‌کاررفته در ۲۸ تا ۳۰ آمده‌اند که به‌ترتیب به مربوط به توصیف گوینده‌ی پ از عکس ۱-۳، گوینده‌ی ت از عکس ۲-۷ و گوینده‌ی ب از عکس ۴-۴ هستند.

(۲۸) [...] توپ پشت صندلیه.

(۲۹) توپ پشت سمت راسته؛ رو زمین.

(۳۰) توپ پشت اون دو تا چوبای صندلیه.

«وسط / در مرکزیت» هفت بار به صورت نسبی استفاد شده که یک بارش تکراری بوده؛ پنج مورد از این تعداد مربوط به گوینده‌ی جفت الف، یک مورد گوینده‌ی پ و یک مورد گوینده‌ی ث بوده است. نمونه‌هایی از این کاربرد در ۳۱ و ۳۲ آمده‌اند که به ترتیب مربوط به توصیف گوینده‌ی پ از عکس ۲-۸ و گوینده‌ی الف از عکس ۴-۳ هستند.

(۳۱) جلوی صندلی، درواقع به من بیننده نزدیک‌تر، در جلو منتهی قرار داره؛ بدون تماس شدن با صندلی. در مرکزیت.

(۳۲) توپ وسط، دقیقاً وسط صفت‌س. رو زمین وسطه.

«کنار» چهار بار به صورت نسبی استفاده شده که یک مورد مربوط به گوینده‌ی جفت الف، یک مورد گوینده‌ی پ و دو مورد گوینده‌ی ث بوده است. توصیف گوینده‌ی الف از عکس ۱-۱۰ در ۳۳ آمده است.

(۳۳) [...] توپ بغل جایی که تکیه میدیه. [...]

«به سمت بیننده / به سمت ما / رو به ما» سه بار به صورت نسبی استفاده شده‌اند که مربوط به گوینده‌های جفت‌های ب، ت و ث بوده‌اند. توصیف گوینده‌ی جفت ت از عکس ۱-۷ در ۳۴ آمده است.

(۳۴) یه توپه جلوی صندلی؛ یعنی توپ به سمت ماس، صندلی پشت توپه.

جدول ۶ جزئیات رابط‌های به‌کاررفته با چارچوب نسبی را به تفکیک گوینده و جدول ۷ به تفکیک مجموعه نشان می‌دهد.

جدول ۶. رابط‌های چهارچوب ارجاع نسبی سطح افقی درخصوص توپ به تفکیک گوینده

جمع	چهارچوب ارجاع افقی نسبی							-
	به سمت بیننده	کنار	وسط	پشت	جلو	چپ	راست	
۳۳	۰	۱	۵	۴	۱	۱۳	۹	الف
۳۰	۱	۰	۰	۳	۴	۱۲	۱۰	ب
۳۹	۰	۱	۱	۴	۵	۱۴	۱۴	پ
۴۴	۱	۲	۰	۹	۴	۱۶	۱۲	ت
۲۲	۱	۰	۱	۵	۳	۷	۵	ث
۱۶۸	۳	۴	۷	۲۵	۱۷	۶۲	۵۰	جمع

جدول ۷. رابط‌های چهارچوب ارجاع نسبی سطح افقی در خصوص توپ به تفکیک مجموعه

جمع	چهارچوب ارجاع افقی نسبی							-	
	به سمت بیننده	کنار	وسط	پشت	جلو	چپ	راست	اول	مجموعه
(۴) ۳۳	۱	۳	۰	(۱) ۷	(۱) ۸	(۲) ۱۴	۰	اول	مجموعه
(۶) ۶۱	۱	۱	۴	(۱) ۹	۵	(۲) ۱۹	(۳) ۲۲	دوم	
۲۳	۱	۰	۰	۰	۳	۱۳	۶	سوم	
(۲) ۵۱	۰	۰	(۱) ۳	۹	۱	۱۶	(۱) ۲۲	چهارم	
(۱۲) ۱۶۸	۳	۴	(۱) ۷	(۲) ۲۵	(۱) ۱۷	(۴) ۶۲	(۴) ۵۰	جمع	

۲.۲.۵ چهارچوب ارجاع ذاتی

در کل برای چهار مجموعه ۴۴ بار از چارچوب ارجاع ذاتی در محور افقی استفاده شده است که تنها یک موردش تکراری بوده است. از این تعداد پنج مورد مربوط به گوینده‌ی جفت الف، پنج مورد مربوط به گوینده‌ی جفت ب، ۱۴ مورد مربوط به گوینده‌ی پ، یک مورد مربوط به گوینده‌ی ت و ۱۹ مورد مربوط به گوینده‌ی ث است. در مجموعه‌ی اول یک بار از این چارچوب استفاده شده است؛ در مجموعه‌ی دوم هشت بار، در مجموعه‌ی سوم ۲۱ بار و در مجموعه‌ی چهارم ۱۴ بار از آن استفاده شده است.

چهار مورد از کل این تعداد مربوط به چارچوب مستقیم با زمینه‌ی «ما» بوده است که همه مربوط به «جلو» بوده‌اند و در مجموعه‌ی سوم. سه مورد کاربرد آن توسط گوینده‌ی جفت ث و یک مورد توسط گوینده‌ی پ بوده است. کاربرد چارچوب مستقیم توسط گوینده‌ی ب در خصوص عکس ۳-۹ در ۳۵ و توسط گوینده‌ی ث در خصوص همان عکس در ۳۶ آمده است.

(۳۵) [توپ] جلوی ماس.

(۳۶) [صندلی رو به سمت چپه و] توپ می‌شه جلوی ما [یعنی کنار صندلی].

«پشت» ۱۸ بار به صورت ذاتی به کار رفته که سه بار آن مربوط به گوینده‌ی الف، سه بار گوینده‌ی ب، چهار بار گوینده‌ی پ، یک بار گوینده‌ی ت و هفت بار گوینده‌ی ث بوده که البته یک موردش تکراری بوده است. نمونه‌هایی از این کاربرد در ۳۷ تا ۴۰ آمده‌اند که به ترتیب مربوط به توصیف گوینده‌ی ب از عکس ۱-۷، گوینده‌ی پ از عکس ۲-۱۱، گوینده‌ی الف از عکس ۳-۱۱ و گوینده‌ی پ از عکس ۴-۲ هستند.

(۳۷) [توپ جلوی صندلیه.] یعنی پشت صندلیه توپ.

(۳۸) این بار توپ پشت صندلی روی زمین.

(۳۹) [...] توپ رو زمین پشتشه.

(۴۰) کسی رو صندلی بشینه توپ می شه پشتش، طوری که نمونه توپو ببینه.

«جلو» ۱۹ بار به صورت ذاتی به کار رفته که دو بار آن مربوط به گوینده‌ی جفت الف، دو بار گوینده‌ی جفت ب، ۵ بار گوینده‌ی پ و ۱۰ بار گوینده‌ی ث بوده است. یک بار از موارد کاربرد ب و سه بار از موارد کاربرد ث چارچوب ذاتی از نوع مستقیم بوده است. مواردی از کاربرد این الگو در ۴۱ تا ۴۳ آمده‌اند که به ترتیب مربوط به توصیف گوینده‌ی ث از عکس ۲-۱۰، ۳-۱۲ و ۴-۸ هستند.

(۴۱) آگه بشینی [...] توپ روبه‌روت جلو پات می شه.

(۴۲) توپ جلوی صندلیه.

(۴۳) [صندلی رو به سمت راسته و] توپ جلوش [بالا تر از زمینه].

«راست» چهار بار به صورت ذاتی استفاده شده است که همه مربوط به گوینده‌ی جفت پ بوده‌اند؛ دو بار در مجموعه‌ی سوم و دو بار در مجموعه‌ی چهارم. توصیف این گوینده از عکس ۳-۱۰ در ۴۴ و از عکس ۴-۴ در ۴۵ آمده است.

(۴۴) توپ درواقع می شه سمت... آگه کسی رو صندلی بشینه می شه راست صندلی

روی زمین.

(۴۵) نسبت به خود صندلی آگه کسی رو صندلی بشینه می شه دست راستش.

«چپ» یک بار به صورت ذاتی استفاده شده که مربوط به گوینده‌ی جفت پ در مجموعه‌ی دوم بوده است. این مورد در ۴۶ آمده است.

(۴۶) توپ [سمت چپ ما هست و] سمت چپ صندلیم هست [قاعدتاً چون پشتش

به مائه].

«کنار» دو بار به صورت ذاتی استفاده شده هر دو مربوط به گوینده‌ی جفت ث

بوده است. توصیف او از عکس ۳-۱۰ در ۴۷ آمده است.

(۴۷) توپ [جلوی ماس] کنار صندلی.

چهارچوب‌های ارجاع سطح افقی در زبان فارسی (سهند الهامی خراسانی) ۹۷

جدول ۸ جزئیات رابط‌های به‌کاررفته با چارچوب ذاتی را به تفکیک گوینده و جدول ۹ به تفکیک مجموعه نشان می‌دهد.

جدول ۸. رابط‌های چهارچوب ارجاع ذاتی سطح افقی درخصوص توپ به تفکیک گوینده

جمع	چهارچوب ارجاع افقی ذاتی					-
	کنار	پشت	جلو	چپ	راست	
۵	۰	۳	۲	۰	۰	الف
۵	۰	۳	۲	۰	۰	ب
۱۴	۰	۴	۵	۱	۴	پ
۱	۰	۱	۰	۰	۰	ت
۱۹	۲	۷	۱۰	۰	۰	ث
۴۴	۲	۱۸	۱۹	۱	۴	جمع

جدول ۹. رابط‌های چهارچوب ارجاع ذاتی سطح افقی درخصوص توپ به تفکیک مجموعه

جمع	چهارچوب ارجاع افقی ذاتی					-
	کنار	پشت	جلو	چپ	راست	
۱	۰	۱	۰	۰	۰	اول
۸	۰	۳	۴	۱	۰	دوم
۲۱	۲	۷	۱۰	۰	۲	سوم
(۱) ۱۴	۰	(۱) ۷	۵	۰	۲	چهارم
(۱) ۴۴	۲	(۱) ۱۸	۱۹	۱	۴	جمع

درخصوص توپ نیز مشاهده می‌شود که تعداد موارد کاربرد چارچوب ارجاع نسبی حدود چهار برابر تعداد موارد کاربرد چارچوب ارجاع ذاتی است. درخصوص هر گوینده به صورت جدا و هر مجموعه به صورت جدا نیز چارچوب ارجاع نسبی غالب است. به‌علاوه، در مجموعه‌ی اول تنها یک بار از چارچوب ارجاع ذاتی استفاده شده است و گوینده‌ی ت نیز درکل تنها یک بار از این چارچوب ارجاع استفاده کرده است. چهارچوب ذاتی درمجموع ۲۰ بار همراه با چارچوب ارجاع نسبی استفاده شده است که در ۱۶ مورد از این تعداد هم ابتدا چارچوب نسبی استفاده شده بوده است. بنابراین درخصوص توپ نیز هم چون صدلی در سطح افقی چارچوب ارجاع نسبی به وضوح غالب است.

۶. نتایج

داده‌های این پژوهش نشان دادند که اگرچه در زبان فارسی ارجاع مکانی در سطح افقی عمدتاً از نوع نسبی است، چارچوب ذاتی هم نادر نیست. هر پنج گوینده در هر چهار مجموعه از این چارچوب‌ها استفاده کرده‌اند؛ اما در مجموع در هر مجموعه و توسط هر گوینده کاربرد چارچوب نسبی غالب بوده است.

چارچوب ارجاع نسبی در مجموع ۳۰۶ بار و چارچوب ذاتی ۱۲۰ بار استفاده شده‌اند. در خصوص صندلی، چارچوب ارجاع نسبی در مجموع ۱۳۸ بار و چارچوب ذاتی ۷۶ بار استفاده شده‌اند. در خصوص توپ، چارچوب نسبی ۱۶۸ بار و چارچوب ذاتی ۴۴ بار استفاده شده‌اند. بنابراین چه در کل و چه جداگانه در خصوص صندلی و توپ به صورت جداگانه چارچوب ارجاع غالب سطح افقی چارچوب ارجاع نسبی است که حدود ۲.۵ برابر چارچوب ذاتی استفاده شده است. خلاصه‌ی تعداد موارد کاربرد چهارچوب‌های سطح افقی در جدول ۱۰ آمده است.

جدول ۱۰. چهارچوب‌های به کاررفته برای سطح افقی در خصوص صندلی و توپ

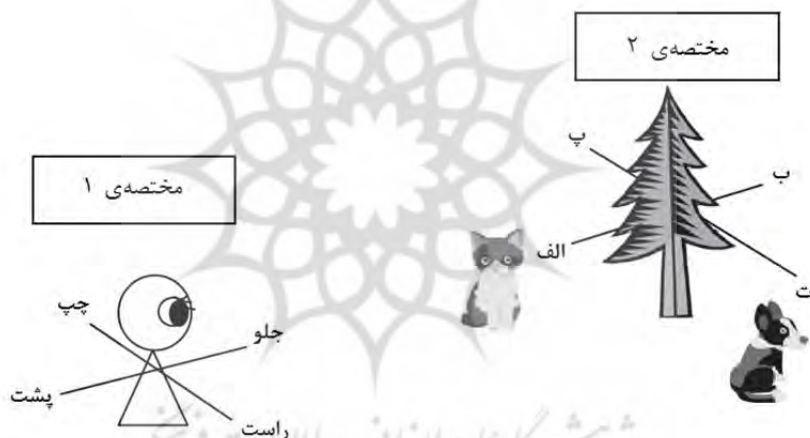
جمع	شیء مورد نظر		-	
	توپ	صندلی		
۳۰۶	۱۶۸	۱۳۸	نسبی	چهارچوب ارجاع
۱۲۰	۴۴	۷۶	ذاتی	سطح افقی
۴۲۶	۲۱۲	۲۱۴	جمع	

همان‌طور که مشاهده می‌شود موارد کاربرد چارچوب ارجاع ذاتی در خصوص صندلی بسیار بیش‌تر از موارد مربوط به توپ است. چارچوب ارجاع ذاتی در خصوص صندلی برای بیان جهت ایستادن آن استفاده شده است و از این نظر تنوع محدودی داشته است و عمده‌ی موارد کاربردش در واقع مربوط به چارچوب ارجاع مستقیم بوده است که در آن زمینه‌ی صریح برای مثال «ما» یا «تو» ذکر شده بوده است. اما در خصوص توپ رابط‌های به‌کاررفته با چارچوب ذاتی شامل «راست»، «چپ»، «جلو»، «پشت» و «کنار» هستند که تنوع بالایی دارند و از مجموع این موارد نیز تنها چهار مورد از کاربردهای «جلو» به صورت ذاتی است که از نوع ارجاع مستقیم است. بنابراین اهمیت تفکیک اطلاعات مربوط به

موقعیت قرار گرفتن یک شیء از جهتی که آن شیء به سمت قرار دارد از این‌جا مشخص می‌شود.

درخصوص چارچوب ارجاع نسبی عدد کاربرد درخصوص صندلی و توپ نسبتاً نزدیک است. در اینجا هم مشاهده می‌شود که درخصوص صندلی، «راست»، «چپ» و «بغل/کنار/نیمرخ/پهلوی» به صورت نسبی به کار رفته‌اند، اما درخصوص چارچوب نسبی باز هم تنوع بیشتر است و علاوه بر سه دسته‌ی مذکور، «جلو»، «پشت»، «وسط» و «به سمت بیننده» هم به صورت نسبی کاربرد داشته‌اند.

درخصوص نگاشت چارچوب ارجاع نسبی در زبان فارسی هم باید گفت با نوع بازتابی روبه‌رویم. شکل ۱ الگوی نگاشت بازتابی ارجاع نسبی را در زبان فارسی نشان می‌دهد (شینوهارا و ماتسوناکا (Shinohara & Matsunaka)، ۲۰۱۰: ۲۹۷).



شکل ۱. چارچوب ارجاع نسبی بازتابی

در این نوع از تبدیل، قطب الف مختصه ۲ جلوی درخت، ب پشت درخت، پ چپ درخت و ت راست درخت محسوب می‌شوند. دستگاه مختصات روی نقطه‌نظر، یعنی مختصه ۱، بر زمینه (درخت) فرافکنده شده به‌صورتی که محور جلو-پشت معکوس شده، اما محور چپ-راست همان‌طور که بوده باقی مانده است. بنابراین در شکل ۱، گره جلوی درخت است و سگ سمت راست آن.

کتابنامه

- الهامی خراسانی، سهند. و صفوی، کورش. (۱۳۹۸). "بررسی چارچوب‌های ارجاع مکانی در زبان فارسی". *جستارهای زبانی*؛ ۱۰ (۳): ۲۴۱-۲۶۳.
- مسگر خویی، مریم. (۱۳۹۲). *بازنمود رویداد حرکت در زبان فارسی: رویکردی شناختی*؛ رساله دکتری. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Báez, G. P. (2011). "Spatial frames of reference preferences in Juchitán Zapotec". *language Sciences* 33: 943-960.
- Bohnenmeyer, J. (2008). *Spatial language and cognition in Mesoamerica; Field Manual*. Buffalo: University at Buffalo.
- Bohnenmeyer, J. (2011). "Spatial frames of reference in Yucatec: Referential promiscuity and task-specificity". *Language Sciences* 33: 892-914.
- Danziger, E. (2010). "Deixis, gesture, and cognition in Spatial Frame of Reference typology". *Studies in Language* 34 (1): 167-185.
- Eggleston, A., Benedicto, E. & Balna, M. Y. (2011). "Spatial frames of reference in Sumu-Mayangna". *language Sciences* 33: 1047-1072.
- Levinson, S. C. (2003). *Space in Language and Cognition*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Levinson, S. and Wilkins, D. (2006). *Grammars of Space - Explorations in Cognitive Diversity*. Cambridge: Cambridge University Press.
- O'meara, C. (2011). "Spatial frames of reference in Seri". *language Sciences* 33: 1025-1046.
- Shinohara, K. & Matsunaka, Y. (2010). "Frames of reference, effects of motion, and lexical meanings of Japanese front/back terms". In Evans, V. & Chilton, P. (eds.). *Language, Cognition and Space; The State of the Art and New Directions*. London: Equinox Publishing Ltd: 293-315.